

از گوشه و کنار

برپایی دهکده هنر و بازی های ملل در بوستان ملت



معاون بین الملل دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دیروز اعلام کرد «جشنواره دهکده ملل و هنر و بازی های شهری» با هدف ارتقای سلامت روان کودکان ۱۸ تا ۲۱ مهرماه در پارک ملت برگزار می شود. این جشنواره از سوی گروه هنر و سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران با همکاری شبکه جهانی USERN و اداره کل سلامت شهرداری تهران برگزار می شود.

نیما رضایی گفت: در آستانه روز جهانی سلامت روان قرار داریم که امسال شعار خود را «سلامت روان کودکان، نوجوانان و جوانان در جهان در حال تغییر» قرار داده است. ما در جشنواره دهکده ملل، هنر و بازی های شهری را با هدف سلامت روان کودکان و در راستای شعار روز جهانی سلامت روان برگزار می کنیم. رضایی ادامه داد: در این جشنواره تعدادی غرفه برپا می شوند که در آن هنرهای مختلف ایران و کشورهای جهان به کودکان معرفی و فضایی در اختیار کودکان قرار می گیرد تا به بازی و نقاشی بپردازند ضمن این که ما در دانشگاه علوم پزشکی تهران حدود ۸۰۰ دانشجوی خارجی داریم. ۴۰ تن از این دانشجویان غرفه داشته و در این غرفه ها هنرهای خود را معرفی می کنند. دانشجویهای هنرمند کارهای هنری خود را به نمایش گذاشته، انواع بازی های محلی و بومی معرفی، اجرای پرفورمنس های بازیافت زباله توسط کودکان، شاهنامه خوانی، مسابقه، رادیوی زنده از جمله بخش های دیگر این جشنواره است.

۱۵ غرفه با زیرشاخه های سلامت روان و اجرای بازی های محلی از جمله برنامه های این دهکده است که از ۱۸ تا ۲۱ مهر ماه از ساعت ۱۷ تا ۲۲ در بوستان ملت برپا است.



کمبود فضای استاندارد آموزشی و ۲۶ هزار کودک بازمانده از تحصیل



معاون آموزش ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان با اشاره به مهم ترین دلایل بازماندگی از تحصیل در این استان گفت: فقر مالی و ناتوانی در تامین امکانات اولیه تحصیل و اشتغال فرزندان برای تامین مخارج زندگی، دوری مدرسه و عدم امکان پرداخت هزینه ایاب و ذهاب، واقع شدن در مناطق دور افتاده، عدم سرویس ایاب و ذهاب در واحد آموزشی، ازدواج زودهنگام دختران، کودکان بدسرپرست از جمله عوامل موثر در جاماندن دانش آموزان از تحصیل بوده است.

زهرآ پورملایی با اشاره به موارد دیگری مانند پراکندگی و صعب العبور بودن مناطق روستایی و عشایری گفت: کثرت مناطق مرزی و دور افتاده (۱۴ منطقه از ۳۲ منطقه آموزشی استان مرزی است با متوسط فاصله ۵۰۰ کیلومتر از مرکز استان)، کثرت مراکز جمعیتی با آمار اندک (وجود ۹۲۰۰ روستا که بیش از ۶۰۰۰ آن زیر ۲۰ خانوار هستند، پراکندگی بسیار بالای جمعیت (بیش از ۳ برابر متوسط کشور)، بافت جوان جمعیت (۲۷ درصد جمعیت استان در سن ۱۸-۶ سال هستند)، کمبود شدید نیروی انسانی و عدم ماندگاری نیروی موجود و همچنین کمبود معلم زن در روستا که سبب ترک تحصیل دختران می شود نیز از عوامل دیگر هستند.

وی اضافه کرد: کمبود شدید فضای استاندارد و تجهیزات آموزشی، رواج شغل های کاذب به دلیل سکونت در مناطق مرزی بی تاثیر در بازماندن دانش آموزان تحصیل نیستند.

جامعه شناسان، تکدی گری را نوعی انحراف اجتماعی می دانند که غالباً با سرقت، اعتیاد، فحشا و فروش مواد مخدر همراه است. البته گاهی به عنوان یک شغل انحرافی تلقی و در سه سطح آبرومندانانه، غیر آبرومندانانه و حرفه ای طبقه بندی می شود

چه نهادی متولی متکدیان است؟

مجید ابهری، مدیر طرح «شهر بدون گدایم آرزوست»، می گوید: نیروی انتظامی در عرض ۴۸ ساعت می تواند تمام متکدیان تهران را جمع کند. اما بعد باید آنان را کجا ببرد؟ آیا نباید مرکزی برای نگهداری متکدیان جمع آوری شده وجود داشته باشد؟ یک هنر سازمان های مختلف دولتی، پاس دادن کار به یکدیگر است. این ماجرا در بحث متکدیان رشته درازی پیدا می کند و سازمان ها و نهادهای متعدد، هر یک بی تعهدی و بی مسئولیتی خود را به گردن باقی سازمان ها می اندازند. حقیقت این است که طبق مصوبه هشتاد و دومین جلسه عالی اداری کشور که در سال ۷۸ تصویب شده، سازمان بهزیستی، فرمانداری، شهرداری، استانداری، نیروی انتظامی، دادگستری و مراکز بهداشت، کمیته امداد، اداره کار و فنی حرفه ای در مورد متکدیان مسئول هستند و تازه کار به همین سازمان ها ختم نمی شود و برای جمع آوری متکدیان دستگاه های دیگری هم باید به کار ورود کنند.

همین باعث شده دستگاه های مختلف کار را به یکدیگر پاس دهند و هیچ سازمانی خود را در قبال جمع آوری متکدیان مسئول نداند. بنابراین جایی وجود ندارد که متکدیان جمع آوری شده به آنجا منتقل شوند و مرکزی وجود ندارد که این افراد را سرو سامان دهد. ابهری در نهایت به این نکته حالب اشاره می کند که ۷۰ درصد از متکدیان تهران در قالب یک گروه مافیایی فعالیت می کنند. اگر شما عضو یک گروه قوی نباشید، نمی توانید در چهارراه پول سازی مثل چهارراه دریای شهرک غرب، یا میدان توحید که کریدور شمال به جنوب است، گدایی کنید. میانگین درآمد تکدی گری در تهران ۳ میلیون تومان است و در برخی چهارراه ها این عدد تا ۷ میلیون تومان بالا می رود.

است که این زنان و کودکان، در معرض انواع آسیب های جسمی و روحی قرار می گیرند و مورد تعدی و تعرض واقع می شوند.

تعداد متکدیان رو به افزایش است

اگر دقت کرده باشید، در چند ماه اخیر، به تعداد متکدیان شهر اضافه شده است. آنها در ورودی ایستگاه های مترو، روی پله ها، در داخل قطارها، پارک ها، کافه ها و خلاصه هر جا که عبور و مرور زیاد باشد، دیده می شوند و گاه برای گرفتن پول، متوسل به التماس و زور و فشار هم می شوند و اگر میزان دریافتی شان کم باشد؛ دهان به ناسزا باز می کنند! طبیعی است که با بروز مشکلات عدیده اقتصادی، این پدیده هر روز چهره وخیم تر و فراگیرتری به خود می گیرد. حضور این افراد به طور گسترده در عرصه شهری، چهره شهر را افسرده تر از آن چه هست می نماید و به اتمسفر شهری، حس ناامیدی و ناامنی تزریق می کند.

عبدالرحمان مصری، نماینده دوره قبل مجلس که عضو کمیسیون اجتماعی مجلس هم بود، در مورد معضل اجتماعی تکدی گری، می گوید: بحث تکدی گری وابسته به قانون نیست و یک مسئله فرهنگی است، پس قانون نمی تواند در این زمینه کاری انجام دهد. به لحاظ قانونی ممنوع بودن یا نبودن این مساله تاثیری بر حل آن نمی گذارد و تهانگامی که مردم به متکدیان کمک کنند این مساله ادامه پیدا می کند. ما نمی توانیم در هر خیابانی برای این کار مامور بگذاریم یا همه را دستگیر و جریمه کنیم زیرا این گونه اقدامات بسیار هزینه بر است. شهرداری و نیروی انتظامی، متکدیان را جمع آوری و آنها را به مقام قضایی ارجاع می دهند. اما این اقدامات تنها برای افراد را از معابر اصلی به معابر فرعی و حتی در منازل می کشاند. مصری می گوید اساساً نیازی نیست مجلس به این مساله ورود کند. تکدی گری حتی به وضعیت اقتصادی هم بستگی ندارد، زیرا بسیاری از مردم در فشارهای شدید اقتصادی هستند. اما گدایی نمی کنند.

در حالی که متکدیان در آمد بسیار خوبی دارند و حتی بعضی از آن ها منازلی در شمال شهر و اوتومبیل دارند. اما دکتر فرجاد، در واکنش به این صحبت ها، می گوید اتفاقاً تکدی گری، بنیان اقتصادی دارد که نمودهای آن می تواند به شکل فرهنگی دیده شود. در واقع ریشه تکدی گری را باید در اقتصاد یک کشور جست و جو کرد نه در فرهنگ آن کشور، شاید تکدی گری نمودهای فرهنگی داشته باشد، ولی مشکلات اقتصادی را نباید نادیده گرفت.

طبیعی است که با بروز مشکلات عدیده اقتصادی، تکدی گری هر روز فراگیر تر می شود. حضور متکدیان به طور گسترده در عرصه شهری، چهره شهر را افسرده تر از آن چه هست می نماید و به اتمسفر شهری، حس ناامیدی و ناامنی تزریق می کند

به طور معمول این دسته از گدایان، با روش های مختلفی، رهگذاران را فریب می دهند؛ با ترغیب هایی مثل نقص جسمانی مادر زادی یا اکتسابی و با ایجاد عمدی نقایص جسمانی، با نمایش دروغین بیماری یا علاج خود یا اعضای خانواده خصوصاً فرزندان، با پوشیدن لباس های مندرس و پاره برای جلب توجه.

معتادان هم در این میان داستان خاص خودشان را دارند، از آن جا که این ها شغلی ندارند و کسی هم آنان را به کار نمی گیرد، این افراد برای تامین هزینه های خرید مواد مخدر، چاره های جز گدایی یاسرقت ندارند. باندهای حرفه ای معمولاً از زنان همراه با بچه، که عموماً معتاد هستند یا می شوند، استفاده می کنند. این باندها، کودکان را از خانواده های فقیر یا می خردند و یا اجازه می کنند، و البته گاهی هم بچه ها را می دزدند. طبیعی

سازمان بهزیستی، فرمانداری، شهرداری، استانداری، نیروی انتظامی، دادگستری و مراکز بهداشت، کمیته امداد، اداره کار و فنی حرفه ای در مورد متکدیان مسئول هستند و تازه کار به همین سازمان ها ختم نمی شود و برای جمع آوری متکدیان دستگاه های دیگری هم باید به کار ورود کنند. همین باعث شده دستگاه های مختلف کار را به یکدیگر پاس دهند و هیچ سازمانی خود را در قبال جمع آوری متکدیان مسئول نداند. بنابراین جایی وجود ندارد که متکدیان جمع آوری شده به آنجا منتقل شوند و مرکزی وجود ندارد که این افراد را سرو سامان دهد.



به چشم یک شغل انحرافی هم به آن نگاه می شود. شغل انحرافی که در سه سطح آبرومندانانه، غیر آبرومندانانه و حرفه ای طبقه بندی می شود. فرد متکدی خود را از مسئولیت های اجتماعی معاف می داند و دیگران هم به طور خودکار این مورد را پذیرفته اند. او غالباً به خاطر این عملش مورد سرزنش قرار نمی گیرد و ضمن این که انتظار دارد دیگران به او کمک کنند، در تولید اجتماعی هیچ نقشی ندارد.

مردم چرا به این افراد کمک می کنند؟ چون یا احساس می کنند در این مورد وظیفه شرعی دارند، یا حس انسان دوستی شان تهییج می شود، یا نذر و نیازی دارند که آن را به متکدی پرداخت می کنند و یا فکر می کنند گدایی یک مشکل و نقص اجتماعی است و آن ها باید با کمک کردن به یک گدا، این نقص را برطرف کنند.

محمد حسین در رابطه با تکدی گری در ایران، تاکید دارد که اغلب این موارد، در سطح غیر آبرومندانانه و حرفه ای قرار دارند. و برای خود تشکیلات، باند و منطقه و محدوده مشخص کرده اند، و هیچ کدام از این باندها، حق ورود به محدوده دیگری را ندارند، چرا که ورود به منطقه دیگری، یعنی تعرض به حق! یک تشکیلات که این تعرض، عواقب ناخوشایندی مثل ضرب و شتم و حتی قتل به همراه دارد.

می افتد و تو مشغول چای خوردن با راننده های تاکسی، و گپ و گفت با آن ها هستی. واقعا هم دیگر شکل و شمایل گداها را ندارد. اصلاً با این طرز رفتارش، تعریف و مفهومی دیگر از گدایی، ارائه کرده است! آن را از قبح در آورده و جامعه آبرومندانانه یک شغل تمام وقت را به آن پوشانده است. این داستان گدای در ورودی متروی محله ماست.

شاید هیچ شهری در هیچ کجای دنیا نباشد که در آن، گدایی وجود نداشته باشد؛ البته در همین کشور خودمان، ادعا می شود که مثلاً تبریز، شهر بی گداست، اما این بی گدایی، به آن مفهوم نیست که شهر گدا ندارد، شهر گدادر، اما این گداها، اگر واقعی باشند، تحت حمایت قرار گرفته اند و اگر غیر واقعی باشند، از گردونه این فرایند خارج شده اند. البته، این خبر مال چند سال پیش است، الان نمی دانیم که آیا واقعا هنوز هم تبریز شهری بدون گداست یا نه؛ به خصوص بعد از ماجرای خشک شدن دریاچه ارومیه و وزیدن بادهای نمکین و از بین رفتن مزارع و بی رونق شدن کشاورزی و افزایش مهاجرت...

گدایی و تکدی گری چیست؟ جامعه شناسان، تکدی گری را نوعی انحراف اجتماعی می دانند که غالباً با سرقت، اعتیاد، فحشا و فروش مواد مخدر همراه است. البته گاهی

شاید هیچ شهری در هیچ کجای دنیا نباشد که در آن، گدایی وجود نداشته باشد؛ البته در همین کشور خودمان، ادعا می شود که مثلاً تبریز، شهر بی گداست، اما این بی گدایی، به آن مفهوم نیست که شهر گدا ندارد، شهر گدادر، اما این گداها، اگر واقعی باشند، تحت حمایت قرار گرفته اند و اگر غیر واقعی باشند، از گردونه این فرایند خارج شده اند. البته، این خبر مال چند سال پیش است، الان نمی دانیم که آیا واقعا هنوز هم تبریز شهری بدون گداست یا نه؛ به خصوص بعد از ماجرای خشک شدن دریاچه ارومیه و وزیدن بادهای نمکین و از بین رفتن مزارع و بی رونق شدن کشاورزی و افزایش مهاجرت...

گدایی و تکدی گری چیست؟

جامعه شناسان، تکدی گری را نوعی انحراف اجتماعی می دانند که غالباً با سرقت، اعتیاد، فحشا و فروش مواد مخدر همراه است. البته گاهی

جامعه شناسان، تکدی گری چیست؟

جامعه شناسان، تکدی گری را نوعی انحراف اجتماعی می دانند که غالباً با سرقت، اعتیاد، فحشا و فروش مواد مخدر همراه است. البته گاهی

جامعه شناسان، تکدی گری را نوعی انحراف اجتماعی می دانند که غالباً با سرقت، اعتیاد، فحشا و فروش مواد مخدر همراه است. البته گاهی



آذر فخری، روزنامه نگار

کارش را از همین دو سه ماه پیش شروع کرد. در ستیز تابلوی ایستگاه تاکسی، روبه روی ورودی مترو. اوایل یک ورق روزنامه می گذاشت زمین، روی آن می نشست و با دستمال یزدی دستش را روی پیشانی اش می گذاشت و کسی را نگاه نمی کرد. حالتی داشت که نه می شد برایش دل سوزاند و نه می شد بی خیال از کنارش رد شد.

بعد، رفته رفته، دست و دستمال را از پیشانی اش برداشت، یک زیرانداز مناسب تهیه کرد و همان طور تکیه داده به تیرک تابلوی ایستگاه تاکسی، نشست و به رفت و آمد و البته دست مردم خیره شد.

حالا اما داستان این مرد نه چندان پیر و نه چندان از کار افتاده، فرق می کند. بارانده های تاکسی حساسی گرم گرفته، با آن ها بحث سیاسی و اقتصادی می کند و البته بساط گدایی اش هم چنان به راه است. مردمی هم که هر روز از آن جابجور می کنند، گاهی با او چاق سلامتی می کنند، گاهی هم اگر پول درشت داشته باشند، او برای شان خرد می کند! انگار که این کار هم مثل هزاران کار دیگر است. کاری که صرفاً در آن، یک جانشسته ای، هر از گاهی سکه ای یا اسکناسی روی بساطت

یادداشت

چرا بنکسی به ما ربط دارد؟

آسیه ویسی

حالا، بعد از خرد شدن تابلو، بحث و مجادله بر سر این است که آیا خریدار، باید آن یک میلیون پوند را بپردازد یا نه؟ خیلی ها می گویند، چون چکش خرید خورده به میز، پس باید پول پرداخته شود، چون فروش انجام شده، حتی اگر تابلو بعد از فروخته شدن، خرد و نوار نوار شده.

خیلی ها هم می گویند، چرا برای تابلویی که دیگر وجود ندارد و به مشتکی کاغذپاره تبدیل شده باید پول داد؟ این ها البته نظرات هموطنان ماست؛ افرادی که این روزها سرشان بدجور توی حساب و کتاب است و

محاسبه هر ریال دخل و خرج شان. اما «بنکسی»، چرا با ما این کار را می کنی؟ می خواهی سر به سرمان بگذاری و با یک شوخی بی مزه حال مان را بگیری؟ می خواهی نشان بدهی که یک سرو گردن از هر گالری دار و کلکسیون جمع کن و کلا از هر خریدار و فروشنده ای بالاتری؟ می خواهی بگویی پول برایت ارزش ندارد؟ بنکسی تو رو به مقدسات با ما از این کار هان کن!



بنکسی، یک گرافیتی، یک فعال سیاسی و یک کارگردان انگلیسی است، به خاطر گرافیتی کار بودنش هم فکر نکنید که از این

۱۰ پوندی که روی آن ها، به جای عکس ملکه ویکتوریا، عکس پرنسس دینا، نقاشی شده بود. روی اسکناس ها هم نوشته شده بود: «بنکسی انگلستان»، به جای «بانک انگلستان». این ۱۰ پوندی ها که در مراسم کارناوال های مختلف روی سر مردم ریخته می شد، این روزها تا ۲۰۰ پوند هم معامله می شوند.

بنکسی همان کسی است که گفته است سال ها دلش دو چرخه می خواست و برای به دست آوردنش، به درگاه خدا دعا می کرد، اما در نهایت یک دو چرخه زد دید و از آن به بعد شروع کرد به طلب آموزش! گویا طلب آموزش بهتر جواب می دهد!



بنکسی چه ربطی به مادر دارد؟

ربطش این است که نبوغ بنکسی، حتی اگر نوعی وندالیسم نهفته در خود داشته

باشد و تا حدودی سر و روی شهر را آشفته کند، اما دیده و جدی گرفته می شود. هدر نمی رود. خود بنکسی هم با تفکرات ضد استکباری، برای دفاع از مظلومان و نشان دادن مظلومیت آنان به کسانی که گوش های کرشان این صداها را نمی شنود، دست به اسپری می شود.

بنکسی به خاطر گرافیتی های جنجال برانگیزش، طرد، حذف، زندانی و متواری نمی شود. بنکسی با گرافیتی ها و تابلوهایش که به محض شنیدن صدای چکش فروش، شروع به خرد کردن خود می کنند، پولدار می شود و سازمان های خیریه راه می اندازد و بابت کارهای خیریه و بشردوستانه اش، به دادگاه احضار نمی شود. این طوری است که بنکسی به ما ربط دارد!